

# جهان ادب و هنر



بیش از ۳ درصد افزایش یافته است و همچنین از سال ۲۰۰۲ تا به امروز، بر میزان فروش کتاب همه ساله ۲ درصد و نیم افزوده شده است. گفتنی است که برای اولین بار، در سال گذشته، تعداد دانشجویانی که همه روزه به کتابخانه دانشگاه شیکاگو مراجعه کرده اند، از مرز یک میلیون نفر گذشته است.

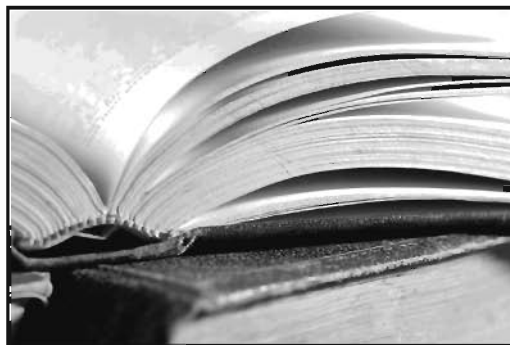
علاوه بر این، شاگردان می توانند کتابی مثل «رمان گل سرخ» متعلق به قرن چهاردهم را هم مثل گوهری گرانبها در دست گیرند و ورق بزنند بی آنکه ناچار باشند آن را مثل کامپیوتر به برق وصل کنند و فقط چشم خود را به صفحه آن بدوزند.

جودیت ندلر، مدیر کتابخانه دانشگاه شیکاگو می گوید: کتابخانه ما مراجعه کنندگان زیادی دارد. کتاب های دیجیتال و چاپی در کنار هم زندگی مسالمت آمیزی دارند و هر کدام به شکلی به زندگی خود ادامه می دهند. ما نمی خواهیم فقط کتاب های الکترونیکی داشته باشیم. ما به هر دو آنها نیاز مندیم.»

بنابراین، از میان رفتن و یا به عبارت دیگر، زوال کتاب، طبق گفته کسانی که در کتابخانه ها کار می کنند، مقوله ای است مبالغه آمیز و نادرست.

اما مسأله ای را که ندلر و الیس اسپریر، مدیر کلکسیون مخصوص دانشگاه در مورد فعالیت های پژوهشی پژوهندگان می پذیرند، نقش ارجاعی کامپیوتر و کتابخانه برای آن هاست. بی شک، همه کتاب های قابل مراجعه از قبیل دایره المعارف ها، فرهنگ ها، کتاب های راهنما و راهنماهای فنی همه وارد کامپیوتر شده است. اما این یک روی سکه است یعنی فقط کاربرد فایده رسانی این قبیل از کتاب هاست. روی دیگر این سکه، به گنجینه های فرهنگی باز می گردد که حفظ و حراست از دست نوشته های

## آینده کتاب در گذشته اقامت دارد



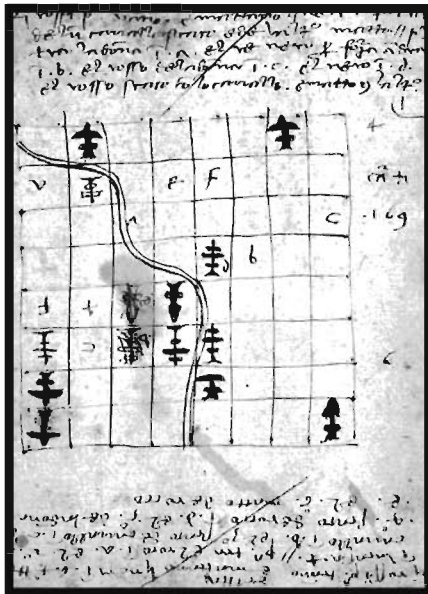
گالیه در یکی از رساله های خود که در سال ۱۶۲۳ نوشته شده است، راجع به ستاره شناسی و نیز ستاره های دنباله دار اصلاحاتی به عمل آورده و در حواشی آن مطالبی را نوشته است که امروزه، پس از ۳۸۵ سال هنوز می توان آن را ورق زد، خواند و با آن ارتباطی ژرف برقرار کرد. گرچه مرکب این نوشته ها به مرور ایام از رنگ سیاه به قهوه ای بدل شده و نیز یادداشت ها و اصلاحات گالیه که در پای صفحات به عمل آمده، مطالعه آن را مشکل کرده است ولی به هر حال. این کتاب را می توان در کتابخانه دانشگاه شیکاگو یافت، کتابی که قرن ها از عمر آن می گذرد.

نکته ای که درباره کتاب ها شگفت انگیز و الهام بخش است این است که می توان آنها را در دست گرفت، سنگینی یا سبکی، ضخامت و یا نازکی آنها را احساس کرد. صفحات آن را ورق زد، و حتی می توان آنها را به صورت دکوراسیونی به کار برد. در دست گرفتن رساله گالیه احساس شگرفی را در ما به وجود می آورد که حاکی از قدرت آن کتاب است.

با این حال، در عصری که با روی کار آمدن کامپیوتر و اینترنت، همه صحبت از زوال کتاب به میان می آورند، قرائن نشان می دهد که کتاب هنوز مقام والای خود را در فرهنگ ما از دست نداده است و همچنان زنده و جاویدان است. ولی همچنان این سؤال مطرح می شود که آیا آینده ای برای کتاب وجود دارد یا نه؟

برخلاف نظر کسانی که مدعی هستند فرهنگ ادبی در دام رسانه های جدید گرفتار شده و دیگر کتاب در مقایسه با انواع بازی های ویدئویی، سینما، و تلویزیون، جذابیتی ندارد، ولی با نگاهی به آمار، می توان دید که آیا فروش کتاب و تعداد مراجعه کنندگان به کتابخانه ها، داستان دیگری را برای ما بازگویی کنند یا نه.

ماه گذشته، اتحادیه ناشران آمریکا اعلام کرد که فروش کتاب در سال ۲۰۰۷ نسبت به سال ۲۰۰۶،



لئوناردو داوینچی، طرح‌های بسیاری کشیده است، از جمله ماشین‌های جنگی و آناتومی‌های گوناگون. با طرح جدیدی که اخیراً به دست آمده است، عده‌ای معتقدند که داوینچی حتی برای معمای بازی شطرنج نیز طرح‌هایی کشیده است. به نظر کارشناسان، طرحی که اخیراً در کلکسیون یکی از خاندان‌های اشرافی ایتالیایی پیدا شده است، بر این دلالت دارد که طراح آن لئوناردو داوینچی، نابغه دورهٔ رنسانس است. این طرح مربوط به مقاله‌ای است که در سال ۱۵۰۰ به وسیلهٔ لوکاپاسیولی، دوست داوینچی نوشته شده است.

عنوان این مقاله: «در بارهٔ بازی شطرنج» است و بیش از صدها راه از بازی شطرنج در آن به تفصیل شرح داده شده است. لئوناردو داوینچی بنا به خواهش دوست خود، برای فهم و درک بهتر مطالب آن، این مقاله را در بخش‌های مختلف مصور کرده است، بی‌آنکه امضائی از خود پای این طرح‌های بدیع گذاشته باشد.

آن بویژه نسخه‌های اصلی و کمیاب آن از وظایف بشری است که ابداً از عهدهٔ کامپیوتر بر نمی‌آید. اغلب دوستداران کتاب نگران وضعیت میراث فرهنگی و اندیشه‌های مشترک شعرا و نویسندگان و پژوهشگران خود هستند که آثار آنها را باید با تأمل بیشتری حفظ و حراست کرد. این عده معتقدند که سایت اینترنتی «گوگل» ممکن است بتواند کتاب‌ها را به صورت کتاب‌های دیجیتال در آورد اما هرگز نمی‌تواند احساس شیفگی و شگفتی در دست گرفتن کتابی را که مربوط به قرن چهاردهم است و مورا بر تن آدمی راست می‌کند، در آدمی ایجاد می‌کند. ادوارد تنر، یکی از پژوهشگران، معتقد است چیزی که در مجموعهٔ یک کتاب با ارزش است فقط متن آن نیست بلکه به نحوهٔ ارائهٔ آن هم مربوط می‌شود. از جمله، فن چاپ، حروفچینی، و بسیاری نکات دیگر که همگی در این مورد مهم است. رشد و گسترش اطلاعات الکترونیکی، کتاب را در معرض نگرش تازه‌ای قرار داده است که نگرشی است توأم با احترام و بصیرت که در کتاب «شب‌ها در کتابخانه» اثر آلبرت منگول به آن اشاره شده است. منگول در کتاب خود، از کتاب به عنوان یک برادر، و یک دوست مهم در زندگی خود یاد می‌کند.

همان‌طور که اطلاعات به صورت دیجیتال در می‌آید، کتاب، که میان جلد خود قرار گرفته است، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. اما این نکته استاد زبان انگلیسی به آن اشاره

خود را در بردارد: «آیا ما در خواهیم گرفت که ارزش کتاب به یک



دنیائی قرار فقط شیبی نادر بدل می‌شود و همهٔ کتابخانه‌ها فقط به صورت کتابخانه‌های حاوی کتاب‌های نادر درمی‌آید؟

اسچریر، مسئول بخش کلکسیون مخصوص کتابخانهٔ دانشگاه شیکاگو، امیدوار است که چنین فکری به ذهن‌ها وارد نشود. وی شغلش را دوست دارد و نمی‌خواهد بخش کتاب‌هایی را که او بر آن نظارت دارد به کتابخانه‌های مخصوص کتاب‌های اسرارآمیز و غیر قابل لمس بدل شود. وی می‌گوید: «وقتی کتاب نادری را در دست می‌گیرید احساسی در شما به وجود می‌آید که گویی چیزی را که صدها سال قدمت دارد در دست دارید. بخشی از تاریخ یک کتاب در این است که چه کسانی در دوران زندگی خود آن کتاب را در دست گرفته و مطالعه کرده‌اند؟

وی می‌افزاید: کتاب «رمانس گل سرخ» یا رسالهٔ گالیله، از این جهت مهم است که ما را به قرن‌های گوناگون و گذشته می‌پیوندند. بی‌شک، با نگاهی به رسالهٔ گالیله، گویی صدای آه و ناله و شکوهٔ او را به هنگام غلط‌گیری رساله‌اش می‌شنوید، در چنین لحظهٔ پرهیجانی، تار و پود قرن‌ها در هم فرو می‌رود؛ دست‌های شما بر روی کتاب است و دست گالیله نیز بر روی شانهٔ شما حس می‌شود. گویی گالیله در کنار کتاب خود حضور دارد.



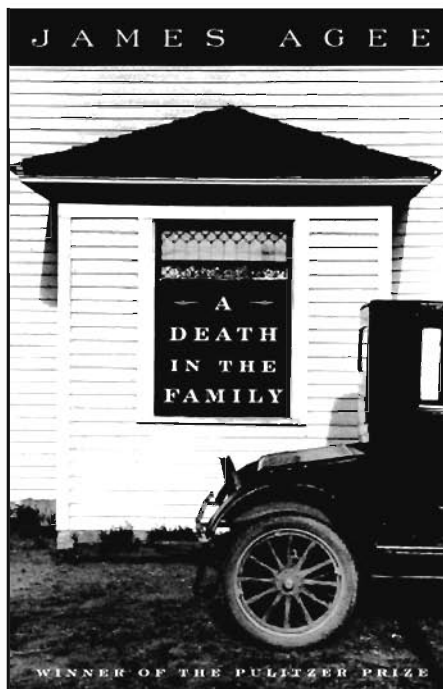
شود. و لوفارو برای اثبات ادعای مک داوول دست به چنین کار سترکی زده و خواسته است تا با آوردن و اضافه کردن بعضی فصل ها و تغییر آنها، ثابت

کند که مکداوول توجهی به متن اصلی آگی نداشته و بعضی از فصل ها را خود به رمان آگی افزوده است، بنابراین متن مکداوول متنی دقیق و اصیل نیست.

بی شک، کشف فصل های گم شده رمان «مرگ در خانواده» آگی برای هر کس که به آثار آگی علاقه مند است، بسیار هیجان انگیز است اما لوفارو، به جای احیای این رمان، کلاف سردرگمی از آن به وجود آورده است. قضیه درست به این می ماند که لوفارو ماشینی را تکه تکه کرده و قطعات آن را جداگانه به نمایش گذاشته و با این کار، در واقع، ماشین اصلی را از کار انداخته است، بطوری که دیگر نمی تواند حرکت کند.

اگر قرار باشد که این کتاب جایگزین آن کتاب اصلی که مکداوول منتشر کرده است بشود، بی

تردید یک فاجعه ادبی بزرگ روی خواهد داد که اگر آگی زنده بود، حتی در خیالش هم چنین فاجعه ای نمی گنجید.



جیمس آگی در زمان مرگ خود - در چهل و پنج سالگی - که بر اثر سکنه قلبی اتفاق افتاد، کمتر نوشته ای از خودش منتشر کرده بود، بویژه کمتر داستان و یا رمانی. اغلب، آگی را به عنوان منتقد فیلم می شناختند که نقدهای هوشمندانه و پر بصیرتش درباره فیلم سازان آمریکا بسیار آموزنده و راهگشا بود. آگی افزون بر نقد فیلم، اقتباس هایی هم برای فیلم ها، یا به عبارت دیگر سناریوهایی هم می نوشت. وی در زمان حیات خود یک رمان کوتاه، یک مجموعه شعر و کتابی به نام «بگذار آدم های مشهور را بستائیم» منتشر کرد. اما ده سالی قبل از مرگش روی رمانی به نام «مرگ در خانواده» کار می کرد که اجل مهلتش نداد تا آن را تمام کند.

ویراستار دیوید مکداوول، دست نوشته های آگی را جمع آوری کرد، فصلی بر آن افزود و این رمان را در سال ۱۹۵۷ منتشر کرد. «مرگ در خانواده»، ستایش و تحسین منتقدان و ادب دوستان را برانگیخت و در همان سال جایزه پولیتزر به آن تعلق گرفت و حتی امروزه نیز به عنوان یکی از شاهکارهای ادبیات داستانی آمریکا محسوب می شود.

این رمان که با نثری شاعرانه نوشته شده است، سرگذشت تکان دهنده و متأثر کننده مردی است که می میرد و آگی تأثیر این مرگ بر خانواده او را در رمان خود بررسی می کند. با آنکه نیم قرن از انتشار این رمان می گذرد ولی هنوز هم این رمان یکی از رمان های برجسته آمریکایی تلقی می شود که مکرراً تجدید چاپ می شود.

اخیراً میکال لوفارو که او هم یک ویراستار است، دست نوشته های دیگری را از آگی کشف کرده است و سپس فصل های این رمان را تغییر داده و کلاف سردرگمی را به نام «مرگ در خانواده: احیاء متن نویسنده»، روانه بازار کرده است.

بخش عمده این دست نوشته های آگی در سال ۲۰۰۲ در دسترس پژوهندگان قرار گرفت. مک داوول، در مقدمه کتاب چنین نوشته است که این داستان ... عیناً متن نویسنده است که در این کتاب تدوین شده و ارائه می

### فیلم روی کاغذ نوشته: ریچارد شیکل

ریچارد شیکل منتقد سینما و مستند ساز در سال های اخیر به نقد کتاب های سینمایی روی آورده است. کتاب «فیلم روی کاغذ» نیز مجموعه نقد هائی است در باره کتاب های سینمایی که وی آنها را جمع آوری کرده و به چاپ رسانده است. شیکل، که از سال ۱۹۷۲ تا به امروز منتقد سینمایی مجله تایمز است، تاکنون بیش از ۳۰ کتاب نوشته است. علاوه بر کتاب «فیلم روی کاغذ: زندگی درونی فیلم ها»، جدیدترین کتاب وی زندگینامه الیاکاران، کارگردان برجسته آمریکایی است که چند سال پیش در گذشت.

افزون بر این، شیکل مستند های بسیاری را نوشته، تهیه و یا کارگردانی کرده است که اغلب در تلویزیون های آمریکا و اروپا به نمایش در آمده است.

اما آنچه در کتاب «فیلم روی کاغذ: زندگی درونی فیلم ها» نوشته است اندیشه هائی است درباره حرفه انتقاد و فیلم سازی. وی معتقد است که آنچه در روزنامه ها و مجله های آمریکائی می خوانیم صرفاً

به موزه قرض نداده و در اختیار دوستداران آثار گوگن نیز نگذاشته است.

گوگن، از سال ۱۸۴۸ تا ۱۹۰۳ شغل بانکداری خود را در فرانسه رها کرد و به صورت تمام وقت به نقاشی پرداخت و سپس برای اولین بار به تاهیتی سفر کرد و در آن جا مجذوب فرهنگ آن سرزمین شد. او با این امید که بتواند در آن جا به آسودگی زندگی کند و از طبیعت زیبای آن جا الهام بگیرد. تنها دل مشغولی اش کشیدن مناظری از طبیعت و مردم آن سرزمین بود. اغلب تابلوهایی که گوگن در این ایام کشید، فانتزی هایی بود با جنبه های گوناگون تاریخ هنر که وی آن را به نمایش می گذاشت.

تابلو «پایان سلطنت» به گمان عده ای، یکی از شاهکارهای طبیعت بی جان است. این تابلو سر بریده شاه پومیر پنجم را نشان می دهد. این عده معتقدند که این تابلو استعاره ای است از مرگ فرهنگ مردم تاهیتی در برابر استعمار اروپائیان. گوگن در سال ۱۸۹۳ به فرانسه بازگشت و این تابلو را در نمایشگاه آثار خود ارائه کرد اما هیچ کس آن را نخرید. امروزه، این تابلو بیش از ۳۹ میلیون دلار از سوی موزه گتی خریداری شده است.



معرفی فیلم هاست برای مردمی که به هنر سینما به عنوان یک وسیله سرگرمی توده می نگرند. اما نقد واقعی معمولاً در مجله های حرفه ای و تخصصی دیده می شود که کمتر با فیلم های روز ارتباط دارد و بیشتر به بحث درباره تئوری هایی پرداخته می شود که هیچ ربطی به سینمای متعارف ندارد و کمکی هم به سینمای آمریکا نمی کند. کسانی که چنین نقدهایی می نویسند اغلب عاشق فیلم های خارجی هستند و از سینمای آمریکا هیچ صحبتی به میان نمی آورند، در حالی که می بینیم در اروپا قضیه برعکس است و منتقدان اروپائی تنها کسانی بوده اند که سینمای آمریکا را کشف کرده اند و خود آن قدر شیفته و دلباخته این سینما شده اند که اغلب آنها مثل گدار، تروفو و شابروی برای آنکه دین خود را به سینمای آمریکا ادا کنند، به ساختن «انواع فیلم های سینمائی» در آمریکا دست زده اند.

با این همه، شیکل در این کتاب، صرفاً از دیدگاه خودش، با فیلم ها، کتاب های سینمائی، کارگردان ها، ستاره ها، و صاحبان استودیوها برخورد می کند که گهگاه نیز بدبینانه است. شاید هم وی بر این باور است که می خواهد با این کار ما را وارد سالن های سینما کند، اما بی شک، برخلاف تصورش، با ابراز عقایدی که درباره سینما و فیلم سازی ارائه می کند، ما را از درون سالن های سینما به بیرون می راند.

### «پایان سلطنت» تابلویی از پل گوگن

موزه پل گتی پس از هجده سال جستجو سرانجام تابلو «پایان سلطنت» را به بهای میلیون ها دلار از دانیل ملینگ خریداری کرد. و قرار است که به زودی این تابلو در موزه گتی لس آنجلس برای بازدید کنندگان به نمایش گزارده شود.

نام این تابلو که اثر پل گوگن است، «پایان سلطنت» نام دارد. در این تابلو، گوگن با رنگ هایی غنی سر مردی را ترسیم می کند که در بالشی سفید، در اتاقی با تزئینات گوناگون گذاشته شده

است. گوگن این تابلو را در سال ۱۸۹۲، در زمانی که در تاهیتی به سر می برد کشیده است.

مایکل برند، مدیر موزه، در رابطه با خریداری این تابلو گفت: «همیشه در صدد بودیم که اثر بزرگی را به کلکسیون خود اضافه کنیم و از این بابت خوشحالیم که این تابلو بزرگ را به شاهکارهای پس از امپرسیونیست ها، مثل ون گوگ و سزان افزوده ایم. با اینکه این تابلو یکی از مشهورترین آثار پل گوگن است، با این حال کمتر در نمایشگاه موزه های سراسر جهان دیده شده است، زیرا صاحب اصلی آن هیچ وقت آن را